

اقتصاد سیاسی ثبات

عبدالحمود محمدی لرد^۱ * مهدی میرمحمدی^۲

چکیده

در این مقاله سعی شده است علت‌های اقتصادی ثبات سیاسی با استفاده از روش تحلیل مقایسه‌ای کیفی فازی شناسایی شود. با توجه به اینکه در علوم اجتماعی از یک سو، اغلب تئوری‌ها جنبه تعلیلی دارند و به دنبال علت پدیده‌های اجتماعی هستند و از سوی دیگر شناسایی علت پدیده‌های اجتماعی از طریق آزمون‌های همبستگی آماری میسر نیست، برای غلبه بر این مشکل روش تحلیل مقایسه‌ای کیفی فازی برای شناسایی علت پدیده‌های اجتماعی در سال ۲۰۰۸ مطرح شد. در این روش که ریشه‌های کیفی دارد، علت لازم و علت کافی برای بروز پدیده اجتماعی آزمون می‌شود. بدین منظور ابتدا طیف گسترده‌ای از متغیرهای اقتصادی مؤثر بر ثبات سیاسی از تئوری‌های علوم اجتماعی احصا شده، سپس این متغیرها در یک مطالعه بین‌کشوری با مقایسه ۱۸۳ کشور جهان تحت آزمون تجربی قرار گرفته و علت‌های اقتصادی ثبات سیاسی شناسایی شد. نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد: بین ۲۸ متغیر اقتصادی، چهار متغیر جهانی‌شدن اقتصادی، رشد اقتصادی متوازن، کیفیت مقررات تجاری و سهولت انجام کسب و کار علت‌های ایجاد ثبات سیاسی هستند.

واژگان کلیدی: ثبات سیاسی، اقتصاد سیاسی، تحلیل تجربی، علت لازم و علت کافی.

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی • سال سوم • شماره نهم • زمستان ۹۲ • صص ۳۳-۷

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۷/۹ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۲/۹/۱۰

۱. دکترای علوم سیاسی از دانشگاه علامه طباطبائی، نویسنده مسئول (amahmudml@gmail.com).
۲. دکترای روابط بین‌الملل از دانشگاه تهران (mahmir.ir@gmail.com).

مقدمه

ثبات و پایداری همواره یکی از مهم‌ترین اهداف حاکمان است و رهبران سیاسی همه کشورها به سوی جاودانه‌سازی نظام سیاسی خود گرایش دارند. اندیشمندان سیاسی نیز همواره نخستین هدف سیاست را برقراری ثبات و پیشگیری از کنش اعتراضی خشونت‌آمیز به منظور رویارویی با اقتدار حکومتی می‌دانند. آمارهای موجود نشان می‌دهد که بی‌ثباتی سیاسی در طول چند دهه گذشته افزایش یافته است. به‌عنوان مثال، از سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰ نسبت کشورهایی که جنگ داخلی را تجربه کرده‌اند از ۷ به ۲۸ درصد افزایش یافته است و از سال ۱۹۴۵ تا ۲۰۰۵ بیش از ۱۴۰ جنگ داخلی در سراسر جهان باعث کشته شدن بیست میلیون نفر و آوارگی هفتاد میلیون نفر شده است (رجب‌زاده و طالبان، ۱۳۸۶: ۵۵). چنانکه تدرابرت گار' نیز معتقد است: «پس از جنگ جهانی دوم تا کنون، اقدامات خشونت‌آمیز برای برانداختن حکومت‌ها در سطح جهان شایع‌تر از انتخابات سراسری بوده است» (گار، ۱۳۷۶: ۲۴).

با آنکه همواره افرادی وجود دارند که علیه زمامداران خود شورش می‌کنند و تاریخ سیاسی بشر برای همه نسل‌ها جنگ‌های داخلی، انقلاب‌ها، شورش‌ها، ترورها، اعتصابات و تظاهرات مسالمت‌آمیز را ثبت کرده است، وضعیت کشورهای مختلف از حیث ثبات سیاسی به صورت چشمگیری متفاوت است. در برخی از کشورهای جهان سوم، اعتراضات مردمی به سرعت شکل آشوب به خود می‌گیرد، در صورتی که در پاره‌ای از کشورهای غربی این نوع وقایع نادر بوده و کشمکش‌های داخلی به راه‌های مسالمت‌آمیز هدایت می‌شود. با توجه به اینکه در تئوری‌های علوم اجتماعی برای ثبات سیاسی علت‌های مختلفی ذکر شده است که بسیاری از آنها متغیرهای اقتصادی هستند، اصلی‌ترین سؤال این پژوهش معطوف به شناسایی علت‌های اقتصادی (سخت‌افزاری) ثبات سیاسی است. با توجه به

1. Ted Robert Gurr

اکتشافی بودن پژوهش، فرضیه‌ای برای پاسخ به سؤال تحقیق در نظر گرفته نشده و فرضیه‌های علت لازم و علت کافی برای ثبات سیاسی در خلال پژوهش تولید و آزمون می‌شود.

در این پژوهش یکی از معتبرترین و جدیدترین روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی به کار گرفته شده که «تحلیل مقایسه‌ای کیفی فازی» نام دارد. در حقیقت نوآوری این پژوهش وابسته به روش تحقیق است و برای اولین بار در ایران و جهان علت‌های ثبات سیاسی از طریق این روش مطالعه می‌شود. بدین منظور ابتدا تلاش می‌شود با بررسی مطالعات و نظریه‌های علوم اجتماعی، طیف گسترده‌ای از متغیرهای اقتصادی مؤثر بر ثبات سیاسی شناسایی شود. سپس متغیرهای شناسایی شده در یک مدل جهانی با استفاده از روش «تحلیل مقایسه‌ای کیفی فازی» تحت آزمون تجربی قرار گرفته و علت‌های اصلی ثبات سیاسی در یک مطالعه بین‌کشوری با مقایسه ۱۸۳ کشور جهان شناسایی می‌شود. به کمک این روش، ترکیباتی از متغیرهای اقتصادی شناسایی می‌شود که شرط لازم یا کافی برای ایجاد ثبات سیاسی هستند، چراکه در این روش بر شناخت ترکیبات علی مختلفی تأکید می‌شود که پدیده اجتماعی خاصی را به وجود می‌آورند.

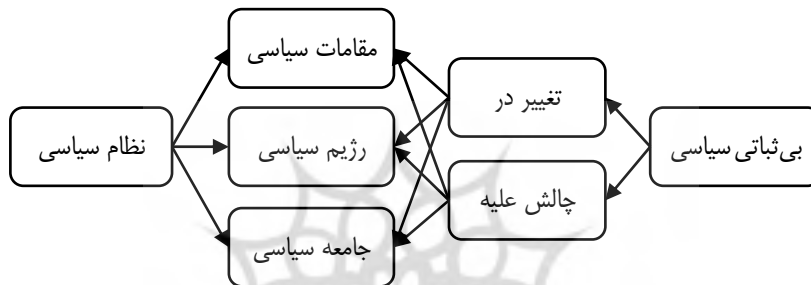
۱. مفهوم ثبات سیاسی

اندیشمندان و نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی و علوم سیاسی تعاریف گوناگونی از ثبات و بی‌ثباتی سیاسی ارائه داده‌اند. تنوع و گوناگونی این تعاریف از یک سو معلول اختلاف در رویکرد آنها نسبت به مسئله ثبات بوده و از سوی دیگر معلول شرایط و موقعیت‌های زمانی و مکانی مختلف است. از مهم‌ترین نظریه‌پردازان ثبات می‌توان به دیوید ساندرز^۱ اشاره کرد. به اعتقاد وی، تعریف مطلوب از ثبات و بی‌ثباتی سیاسی باید از تفکیک سطحی ثبات و بی‌ثباتی احتراز کرده و آن را یک پدیده مستمر و نسبی بداند. همچنین آن تعریف باید نشان بدهد که چگونه سطح بی‌ثباتی در یک کشور با گذشت زمان تغییر می‌کند، لذا واحدهای زمانی به کار رفته در تحلیل باید بر پایه «وضعیت‌های سیاسی» کوتاه‌مدت باشد. ضمن اینکه باید انواع متفاوتی از بی‌ثباتی سیاسی را بپذیرد (ساندرز، ۱۳۸۰: ۱۱۷).

به عقیده ساندرز، ثبات سیاسی به معنی فقدان نسبی برخی از حوادث سیاسی

1. Fuzzy-set Qualitative Comparative Analysis (FsQCA)
2. David Sanders

بی ثبات کننده است که به صورت ایجاد تغییر یا چالش در هر یک از ابعاد نظام سیاسی بروز می کند (همان: ۱۱). وی با استفاده از تعریف دیوید ایستون از ابعاد نظام سیاسی، شش نوع بی ثباتی سیاسی را تصور می کند که در شکل زیر نشان داده شده است (همان: ۱۲۱). نظام سیاسی مد نظر ایستون سه بعد اساسی داشت: ۱. مقامات سیاسی که مراد از آن حکومت است، ۲. رژیم سیاسی که منظور از آن قواعد حقوقی حاکم بر حل مناقشات در درون نظام است و ۳. جامعه سیاسی که شامل گروهی از افراد است که بر پایه تقسیم کار سیاسی با هم مرتبط هستند.



نمودار ۱. شش نوع بی ثباتی ساندرز از دیدگاه ساندرز

در تعریف ساندرز، ثبات سیاسی پدیده‌ای پیچیده است که وقوع آن مستلزم فراهم آمدن تمام علت‌ها و ملزومات در فرایند تغییرات سیاسی و اجتماعی است، ولی در مقابل، بی ثباتی سیاسی پدیده‌ای ساده و طبیعی است که با رخ داد هر یک از عوامل بی ثبات کننده، دامنگیر جوامع انسانی می شود. در ادامه سازوکار برقراری ثبات سیاسی در هر جامعه توصیف می شود.

چارلز لیندبلاد، یکی از چهره‌های برجسته علوم سیاسی آمریکا، حل رابطه میان حکمرانان و مردم را از سه روش اجبار، مبادله و اقناع ممکن می داند (پراتکانیس و آرنسون، ۱۳۸۰: ۷). برخی از نظام‌ها، برای ایجاد و حفظ ثبات سیاسی به شناسایی و سرکوب علت‌های فاعلی بی ثباتی سیاسی پرداخته و ثبات را از طریق اجبار به وجود می آورند. برخی دیگر تلاش خود را بر بهبود کارکرد دولت متمرکز کرده و ثبات سیاسی از طریق مبادله حق حکومت و رفع نیازها ایجاد می شود. بعضی از نظام‌ها نیز برای اقناع اهمیت بسزایی در هدایت افکار عمومی برای اقدام سیاسی قائل شده و نقش برجسته‌ای برای تغییر نگرش شهروندان در حوزه سیاست ایفا می کنند. بدیهی است که نوع خالص هر

یک از اقدامات فوق در یک نظام یافت نمی‌شود، بلکه هر رژیم سیاسی، ارزش‌های مختلفی برای هر اقدام در راهبردهای خود در نظر می‌گیرد. با ترکیب راه‌حل‌های سه‌گانه چارلز لیندبلاد، می‌توان سازوکار ایجاد ثبات سیاسی را توصیف کرد.

همه مردم از تمام حکومت‌ها انتظار دارند که نیازهای آنها را برطرف نماید. نیازهای جامعه را می‌توان به صورت طیفی در نظر گرفت که از نیازهای زیستی مانند خوردن و آشامیدن شروع شده و با نیازهای ایمنی مانند پوشاک و مسکن ادامه یافته و به نیازهای روانی مانند شکوفایی و عزت نفس ختم می‌شود. در صورتی که حکومت موفق به برآوردن نیازهای مطرح شده توسط جامعه باشد، راه حل «مبادله» لیندبلاد صورت گرفته و نارضایتی در جامعه ایجاد نمی‌شود. در این پژوهش این شرایط به عنوان «کارآمدی» حکومت تعبیر شده است. بدیهی است که هیچ حکومتی نمی‌تواند به صورت مطلق تمام نیازهای اتباع خود را پاسخ دهد. حال اگر سطح کارکرد حکومت از سطح نیازهای اتباع عقب ماند، نارضایتی ایجاد می‌شود که می‌تواند به صورت بی‌ثباتی ظهور کرده یا توسط عوامل دیگر خنثی شود. یکی از عواملی که می‌تواند نارضایتی را خنثی کند، راه حل «اجبار» لیندبلاد است. در این شرایط اجبار حکومت به میزانی است که اتباع با وجود نارضایتی، شهامت و جسارت ابراز آن را ندارند و ثبات سیاسی مبتنی بر ترس مردم ایجاد می‌شود. در این پژوهش این شرایط به عنوان «استیلا» حکومت تعبیر شده است. یکی دیگر از عواملی که می‌تواند نارضایتی را خنثی سازد، مبتنی بر راه حل «اقناع» لیندبلاد است. به عبارت دیگر، سازوکاری که اتباع را قانع می‌کند که شرایط حکومت مستقر را نه از روی اجبار، بلکه از روی رغبت و علاقه بپذیرند. در ادبیات علوم سیاسی این شرایط به «مشروعیت» حکومت تعبیر می‌شود. بنابراین ثبات سیاسی حالتی است که یک یا دو و یا هر سه شرط فوق به نسبت‌های مختلف برقرار باشد. این شروط را می‌توان مثلث ثبات نامید که ثبات سیاسی نقطه‌ای درون مثلث بوده و میزان فواصل آن از هر یک از شروط خالص مشخص است.



نمودار ۲. مثلث ثبات

در این پژوهش، آن دسته از متغیرهای اقتصادی شناسایی می‌شوند که بر کارآمدی حکومت تأثیر گذاشته و ثبات سیاسی را از طریق مبادله به وجود می‌آورند. البته این تأثیرگذاری از نوع علت و معلولی است که در اغلب پژوهش‌های پیشین مغفول مانده است. در مجموع می‌توان ادعا کرد که ادبیات موجود فاقد فرمول‌های تجربی استوار در خصوص علت‌های ثبات سیاسی است.

۲. روش‌شناسی

در این پژوهش برای پاسخگویی به سؤال تحقیق و برای شناسایی علت‌های اقتصادی ثبات سیاسی از روش «تحلیل مقایسه‌ای کیفی فازی» استفاده می‌شود که نوع جدیدی از روش مقایسه‌ای است. بسیاری از دانشمندان معتقدند که مقایسه در قلب فرایند استدلال انسان قرار دارد و اندیشیدن بدون انجام عملیات مقایسه توسط ذهن انسان ممکن نیست. مدت مدیدی است که پژوهشگران روش مقایسه را به صورت تجربی مورد استفاده قرار می‌دهند. از ارسطو که احتمالاً بنیان‌گذار روش مقایسه‌ای است تا دوتو کویل^۱، ماکس وبر^۲ و دورکیم^۳ همگی مقایسه را به عنوان روش تحلیل خود برگزیدند، چرا که در علوم اجتماعی، انجام آزمایش در جریان زندگی واقعی به صورت تجربی ممکن نیست. از این رو، محققان روش مقایسه را به عنوان جانشینی برای آزمایش تجربی انتخاب کردند. به ویژه مقایسه چند موردی که علاوه بر ایجاد فهم عمیق از موردها^۴ و شناخت پیچیدگی آنها، برخی از اشکال تعمیم را نیز ایجاد می‌کند (Rihoux & Ragin, 2009: xviii). در این پژوهش نیز مطالعه چند موردی برای تعیین علت‌های ثبات سیاسی انتخاب شده است و هر یک از کشورهای جهان به مثابه یک مورد مطالعه می‌شوند.

بلتر و بلوم انواع روش‌های مورد استفاده در مطالعات موردی^۵ را به سه دسته تقسیم کردند: ۱. «تغییرات همزمان»^۶ که در آن تغییرات همزمان دو گزینه رقیب در یک قالب

-
1. De Tocqueville
 2. Weber
 3. Durkheim
 4. Cases
 5. Case study
 6. Co-variational

ثابت مورد بررسی قرار می‌گیرد، ۲. «ردیابی فرایند علی» که بر آشکار کردن برهم کنش‌های فاکتورهای علی تأکید دارد و ۳. «تحلیل هم‌خوانی» که در آن قدرت و توانایی یک نظریه برای توصیف یا فهم یک پدیده سیاسی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد (Blatter & Blume, 2008: 316). با وجود اینکه «ردیابی فرایند علی» تنها به‌عنوان یکی از روش‌های مطالعات موردی معرفی شده است، اما بسیاری از دانشمندان (ساروخانی، ۱۳۷۷: ۲-۴) معتقدند که تبیین پدیده‌های اجتماعی از اهداف عمده و وظایف اصلی علوم اجتماعی است و عبارت از تعیین علت‌های آن پدیده است.

بلتر و بلوم «ردیابی فرایند علی» در علوم سیاسی را به سه نوع تقسیم کردند: ۱. «مثال‌ها» که مقصود از آن مطالعات دانشمندانی چون تدا اسکاچپول در خصوص انقلاب‌های اجتماعی است، ۲. «سازوکارهای علی» که نشان می‌دهند یک علت با چه مراحل میانجی یک معلول را ایجاد می‌کند و ۳. «شاکله‌های علی» به مجموع ترکیبات علی اطلاق می‌شود که در کنار هم پدیده‌های اجتماعی را ایجاد می‌کنند (Blatter & Blume, op.cit: 321-323). در این پژوهش از تبیین «شاکله‌های علی» برای شناسایی علت‌های ثبات سیاسی استفاده می‌شود. چارلز راگین روش «تحلیل مقایسه‌ای کیفی فازی» را در قالب «شاکله‌های علی» در سال ۲۰۰۸ مطرح کرد و تحولی قابل توجه در روش مقایسه‌ای علوم اجتماعی به وجود آورد. ایشان راه‌حل‌های سودمندی برای گریز از محدودیت‌های روش سنتی مقایسه پیش نهاد که مهم‌ترین آن دشوار بودن سنجش اثرات حاصل از تعامل متغیرها بود.

راگین در روش «تحلیل مقایسه‌ای کیفی فازی» اذعان کرد که از یک سو ترکیبات علی متفاوت می‌توانند به یک پدیده اجتماعی واحد منجر شوند و از سوی دیگر، در پدیده‌های اجتماعی به سختی می‌توان یک علت را به‌عنوان شرط لازم و کافی یافت. به سخن دیگر، در جهان اجتماعی، هر یک از علت‌ها به تنهایی شرط لازم یا کافی برای ظهور یک پدیده نیستند، بلکه شاکله‌های علی می‌توانند منجر به ظهور یک پدیده شوند.

-
1. Causal process tracing
 2. Congruence analysis
 3. Examples
 4. Causal mechanism
 5. Causal configuration
 6. Charles C. Ragin

یک شاکله ترکیب خاصی از فاکتورها (یا محرک‌ها، متغیرهای علی، عناصر سازنده، عوامل تعیین کننده یا دترمینان‌ها و...) است که نتیجه یا معلول دلخواه را به وجود می‌آورد. مهم‌ترین عملیات در تبیین شاکله‌های علی یافتن علت لازم^۱ و یا کافی^۲ و یا هم لازم و هم کافی است. علت لازم شرطی است که هنگام حضور معلول همیشه وجود دارد. به عبارت دیگر، معلول در غیاب علت لازم هیچ‌گاه مشاهده نمی‌شود، اما یک علت کافی شرطی است که هنگام حضور علت، معلول رخ دهد. البته ممکن است معلول در حضور علت‌های دیگر هم رخ دهد. این استدلال‌های راگین با ادعای هامرسلی^۳ که «تئوری اساساً عبارت از بیان شرط لازم و کافی است» مطابقت دارد (Rihoux & Ragin, op.cit: xix).

راگین مهم‌ترین گزاره خود را برای تبیین پدیده‌های اجتماعی بدین صورت اعلام کرد که در ترکیبات پیچیده علی، هر علت بخش ناکافی، ولی لازم از ترکیبی نالازم ولی کافی برای ایجاد یک پدیده اجتماعی است (Ragin, 2008). به عبارت دیگر، از یک سو ترکیبات علی مختلفی می‌توانند یک پدیده اجتماعی مانند ثبات سیاسی را ایجاد کنند و از سوی دیگر وجود یک علت شاید برای بروز ثبات سیاسی لازم باشد، اما کافی نیست و باید با علت‌های دیگر ترکیب شود تا یک شرط کافی به وجود آید.

در روش تحلیل مقایسه‌ای کیفی فازی، ادعاهای علی بر مبنای روابط مجموعه‌های فازی^۴ توسعه می‌یابند. در تئوری کلاسیک مجموعه‌ها، یک مجموعه همانند یک متغیر دو حالتی با دو ارزش درون مجموعه (۱) و بیرون از مجموعه (۰) در نظر گرفته می‌شود. در مقابل، یک مجموعه فازی امکان عضویت در فواصل میان ۰ تا ۱ را می‌دهد و ارزش‌های اعشاری میان ۰ تا ۱ نشان‌دهنده عضویت ناقص یا جزئی موردها به مقوله تحلیلی تحت مطالعه‌اند. هر چه اعداد به ۱ نزدیک‌تر باشند، بیانگر عضویت بیشتر در مجموعه و اعداد نزدیک به ۰ بیانگر کمترین عضویت در مجموعه است. نمره میانی ۰/۵ نیز یک ارزش کیفی است و نقطه عطف فازی نامیده می‌شود. این نمره نشان‌دهنده حداکثر ابهام است، چراکه در ارزیابی کیفی نمی‌توان با قطعیت آن مورد خاص را بیشتر در درون مجموعه هدف و یا خارج از مجموعه هدف در نظر گرفت (Ragin, 2009: 89-90). در این پژوهش

-
1. Necessary
 2. Sufficient
 3. Hammersley (2004)
 4. Fuzzy sets

برخلاف برخی از تئوری‌ها در خصوص ثبات سیاسی که روایت دو ارزشی از نظم سیاسی (باثبات یا بی‌ثبات) ارائه می‌دهند، فرض شده است که ثبات سیاسی حقیقتی فازی داشته به صورت نسبی درجه بنده شده و چیزی بین ۰ و ۱ است.

راگین برای تعیین درجه عضویت در مجموعه از منطق فازی استفاده می‌کند. به عقیده وی، مقیاس‌های اسمی^۱، فاصله‌ای^۲ و نسبی^۳ را می‌توان به کمک یک سیستم ریاضی به درجه عضویت فازی تبدیل کرد. ضمن اینکه در مجموعه‌های فازی می‌توان هر دو نوع متغیر کمی و کیفی را ترکیب کرد (Ragin, 2008: 30). البته نتایج سنجش فازی متغیرها و نمرات تخصیص داده شده به موردها همانند نمرات موجود در مقیاس‌های فاصله‌ای یا نسبی در تحلیل‌های کمی متعارف نیست، چراکه با استفاده از مجموعه‌های فازی ممکن است برخی موردها بر اساس درجه عضویتشان در یک مقوله تحلیلی، به‌طور مشابه و یکسان عضو کامل آن مقوله محسوب شوند در حالی که همان موردها بر حسب یک مقیاس فاصله‌ای یا نسبی نمرات متفاوتی دریافت می‌کنند (Ragin, 2009: 92). برای مثال، سه کشور نروژ، آمریکا و ژاپن عضوهای کامل مجموعه کشورهای ثروتمند محسوب می‌شوند و همگی نمره یکسان ۱ دریافت می‌کنند، در صورتی که این سه کشور سطوح متفاوتی از متغیر ثروت در یک مقیاس فاصله‌ای را دارند.

یک متغیر فازی را می‌توان متغیر پیوسته‌ای دانست که به‌طور هدفمند، برای نشان دادن درجه عضویت در یک مجموعه درجه‌بندی شده است. بر اساس منطق مجموعه‌های فازی، هم شروط علی لازم و کافی و هم معلول می‌توانند بر حسب درجه یا سطوح تغییر کنند. راگین برای تعیین نمرات عضویت فازی، دو روش کیفی مستقیم و غیر مستقیم را پیشنهاد کرده است (Ibid: 93).

برای درجه‌بندی میزان عضویت در یک مجموعه به روش غیرمستقیم^۴، پژوهشگر بر مبنای دانش محتوایی و نظری خود از مقوله تحلیلی و شناخت مضمونی و تجربی از تک‌تک موردها، اقدام به درجه‌بندی میزان عضویت می‌کند. مطلوب است که درجه‌بندی عضویت، بر اساس دانش نظری دانشمندان علوم اجتماعی انجام شود. برای درجه‌بندی به

-
1. Nominal scale
 2. Interval scale
 3. Ratio scale
 4. The indirect method of calibration

روش غیرمستقیم، ابتدا محقق نقاط گسست یا حالت‌های کیفی را با استفاده از قیود تشدیدکننده در زبان محاوره‌ای تعیین می‌کند، سپس هر یک از موردها را بر اساس دانش نظری خود از مقوله تحلیلی مورد نظر ارزیابی می‌کند. برای مثال میزان عضویت می‌تواند یکی از شش حالت کیفی زیر باشد (Ragin, op.cit: 94):

جدول ۱. حالت‌های شش‌گانه کیفی میزان عضویت

نمره عضویت فازی	زبان محاوره‌ای
۱	عضویت کامل در مجموعه هدف
۰/۸	بیشتر عضو مجموعه هدف، اما نه به صورت کامل
۰/۶	کم و بیش عضو مجموعه هدف
۰/۴	کم و بیش غیر عضو مجموعه هدف
۰/۲	بیشتر غیر عضو مجموعه هدف اما نه به صورت کامل
۰	فقدان عضویت کامل در مجموعه هدف

راگین برای تبدیل مقیاس‌های فاصله‌ای و نسبی به درجه عضویت فازی روش مستقیم^۱ را پیشنهاد کرد. در روش مستقیم ابتدا محقق برای داده‌های فاصله‌ای سه نقطه برش کیفی^۲ تعیین می‌کند، سپس با استفاده از یک تابع ریاضی، متغیر پیوسته به متغیر فازی تبدیل می‌شود. سه نقطه برش کیفی مورد نظر راگین شامل آستانه عضویت کامل، آستانه عدم عضویت کامل و نقطه گذر^۳ است. نقطه گذر یا نقطه عطف فازی دارای حداکثر ابهام است و به قطعیت نمی‌توان گفت که یک مورد خاص بیشتر عضو مجموعه است یا غیرعضو در مجموعه هدف. بنابراین نقطه گذر، موردهایی را که عضویت بیشتری در مجموعه هدف دارند از موردهایی که بیشتر غیر عضو در مجموعه هدف محسوب می‌شوند جدا می‌کند (Ibid:90). بدیهی است که رویه‌های مورد استفاده محقق برای تعیین نقاط برش کیفی می‌تواند مورد ارزیابی و نقد سایرین قرار گیرد.

راگین برای تبدیل متغیر فاصله‌ای به درجه عضویت فازی فرمول زیر را پیشنهاد کرده است که در این فرمول m برابر است با میزان عضویت فازی در مجموعه هدف و $\exp(\log odds)$ دلالت دارد بر عدد نپر به توان لگاریتم میزان احتمال وقوع (Ibid: 91).

1. The direct method of calibration
2. Qualitative anchors
3. Crossover point

$$[1 + \exp(\log \text{odds})] \quad 1 + \exp(l) \quad 1 + e^l$$

راگین برای کشف علت‌های لازم برای معلول، سنجه‌های سازگاری^۱ و شمول^۲ روابط مجموعه‌ها را ارزیابی می‌کند. سازگاری و شمول مقیاس‌های توصیفی ساده‌ای هستند که برای ارزیابی قابلیت حمایت تجربی موردها از فرضیه‌ها به کار می‌روند. نمره سازگاری تعداد موردهایی را می‌سنجد که از ترکیب معینی از علت‌ها که منجر به معلول مورد نظر می‌شوند حمایت تجربی می‌کنند. به عبارت دیگر، نرخ سازگاری بر نحوه تسهیم موردها در ترکیبات علی دلالت دارد. در مقابل نمره شمول در تئوری مجموعه‌های فازی، درجه‌ای را می‌سنجد که یک علت یا ترکیب علی ممکن است منجر به معلول خاص شود. البته هرگاه چندین مسیر برای بروز یک معلول وجود داشته باشد، نمره شمول هر ترکیب علی معین ممکن است کوچک باشد. بنابراین، نمره شمول فقط رابطه تجربی یا اهمیت را می‌سنجد (Ibid: 44).

مقادیر سازگاری با معناداری برآوردهای همبستگی^۳ در آزمون فرضیه‌های آماری قابل مقایسه است (Woodside, 2010: 383). راگین برای اندازه‌گیری نمره سازگاری از فرمول زیر استفاده می‌کند که در آن عبارت min دلالت بر انتخاب کوچک‌ترین مقدار شرط علی (x_i) و معلول (y_i) دارد (Ragin, op.cit: 52).

$$\text{Consistency } (x_i \leq y_i) = \sum[\min(x_i, y_i)] / \sum(x_i)$$

اما شمول که شبیه توان^۴ در آمار کلاسیک است، به رابطه یا اهمیت تجربی یک ارتباط در تئوری زیرمجموعه‌ها دلالت دارد (Ibid:45). نمره شمول تنها اهمیت تجربی دارد و فاقد ارزش تئوریک است. راگین برای اندازه‌گیری نمره شمول از فرمول زیر استفاده می‌کند که در آن عبارت min بر انتخاب کوچک‌ترین مقدار شرط علی (x_i) و معلول (y_i) دلالت دارد.

$$\text{Coverage } (x_i \leq y_i) = \sum[\min(x_i, y_i)] / \sum(y_i)$$

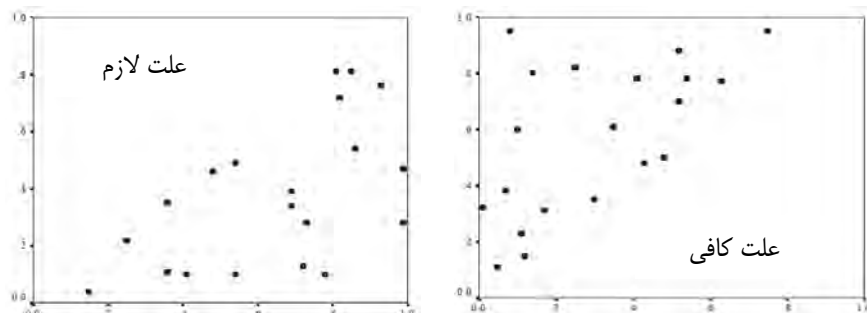
-
1. Consistency
 2. Coverage
 3. Correlation
 4. Strength

هنگامی که نمره شمول کوچک است، اثر محدود شرط علی بر پیامد قابل اغماض است. بنابراین شمول بسیار کم به مفهوم فقدان ارتباط تجربی و بی معنی بودن شرط لازم است (Ibid:61). به عقیده راگین اگر نمرات سازگاری بیشتر از ۰/۷۵ باشد و نمرات سازگاری بزرگ تر از نمرات شمول باشد، دلالت بر مفید بودن رابطه دارد؛ اما در حالت ایده آل باید نمرات سازگاری بالاتر از ۰/۹ باشند تا محقق با اطمینان از معناداری علت لازم سخن گوید (Woodside, op.cit: 384).

راگین برای کشف علت‌های کافی از جدول صحت استفاده می‌کند. در این جدول ترکیبات ممکن منطقی از شروط علی لیست شده و نتایج تجربی ناشی از هر شاکله ارائه می‌شود. به عبارت دیگر، ترکیبات متنوعی از شروط علی را مقایسه می‌کند تا نشان دهد که کدام یک از آنها نتایج یکسانی در پی دارد. در حقیقت، هدف اصلی تحلیل جدول صحت، ارائه تشخیص صریح و روشن از ارتباطات میان ترکیبات شروط علی و معلول به محقق است (Ragin, op.cit: 23-24).

راگین برای آزمون فرضیات علت‌های لازم و کافی به روش فازی، از نمودار پراکنش موردها استفاده می‌کند. بر اساس پیشنهاد راگین، یک فرضیه علت لازم هنگامی تأیید می‌شود که نمرات عضویت فازی معلول کمتر یا مساوی با نمرات عضویت فازی عامل علی باشد. به عبارت دیگر، پراکندگی تجربی موردها باید به شکل مثلثی دیده شوند که همه نقاط آن زیر قطر اصلی نمودار قرار گیرند. همچنین یک فرضیه علت کافی هنگامی تأیید می‌شود که نمرات عضویت فازی عامل علی کمتر یا مساوی با نمرات عضویت فازی معلول باشد؛ اما در اینجا پراکندگی تجربی موردها باید به شکل مثلثی دیده شوند که همه نقاط آن بالای قطر اصلی نمودار پراکنش قرار گیرند. نمونه‌ای از نمودارهای پراکنش در شکل زیر آورده شده است (Ragin, Drass & Sean, 2008: 72-74).

1. Truth Table



بدیهی است محققان تنها زمانی می‌توانند مدعی شوند که شواهد موجود از استدلال علیشان که به صورت فرضیه شرط لازم و کافی است حمایت می‌کند که به دو الگوی فوق دست یابند. چنانکه در نمودارهای فوق مشخص است، در شرط کافی، مجموعه علت‌ها زیرمجموعه‌ای از مجموعه معلول‌ها و در شرط لازم، مجموعه معلول‌ها زیرمجموعه‌ای از مجموعه علت‌ها است.

راگین معتقد است: محققین به کمک این روش نه تنها می‌توانند فرضیه‌های خود را که از تئوری‌های موجود اخذ کرده‌اند مورد آزمون قرار دهند، بلکه با فهرست کردن شروط مختلف، می‌توانند ترکیباتی را که به لحاظ منطقی ممکن هستند اما در تئوری‌ها انعکاس نیافته‌اند مورد آزمون تجربی قرار دهند (Ragin, 2008: 25). با توجه به توضیحات فوق، در این پژوهش تلاش می‌شود علت‌های اقتصادی ثبات سیاسی و یا به عبارت دیگر ترکیبات علی مختلفی که شرط لازم یا کافی برای بروز ثبات سیاسی هستند در مطالعه بین‌کشوری شناسایی شوند.

۲-۱. اندازه‌گیری ثبات سیاسی (متغیر وابسته)

در این تحقیق ثبات سیاسی^۱ به عنوان متغیر وابسته تعریف شده است که اثر سایر متغیرها بر آن مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. مراد از ثبات سیاسی فقدان بروز رفتارهای خشن با انگیزه‌های سیاسی و عدم تغییرات در نوع حکومت و مقامات حکومتی است. بنابراین برای اندازه‌گیری ثبات سیاسی، ابتدا باید بی‌ثباتی سیاسی را اندازه‌گیری کرد. برای تعریف متغیر

1. Political Stability \Rightarrow (ins)

بی‌ثباتی سیاسی بر اساس نظریه ساندرز (ساندرز، ۱۳۸۰: ۱۳۷)، از داده‌های سری زمانی جمع‌آوری شده توسط آرتور بنکس (Banks, 2011) در دانشگاه نیویورک استفاده شد. برای محاسبه بی‌ثباتی سیاسی، میزان وقوع هر شاخص در فاصله زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۱ در وزن آن ضرب شده و میانگین آنها به عنوان میزان بی‌ثباتی سیاسی منظور شد. مزیت و ارزش این شاخص برای بی‌ثباتی سیاسی، خام بودن آن است. به عبارت دیگر، برای اندازه‌گیری بی‌ثباتی سیاسی، شاخص‌های دیگری مانند سطح دموکراسی، تنوع نژادی، سطح نابرابری و مواردی از این دست را در نظر نمی‌گیرد. تعریف هر یک از شاخص‌های بی‌ثباتی سیاسی و وزن آنها به صورت زیر است:

۱. کودتا (۲۰): تعداد تغییرات در سران رژیم یا حوزه نفوذ آنها در ساختار قدرت ملی به روش‌های اجباری یا خلاف قانون اساسی.
۲. تغییر قانون اساسی (۵): تعداد تغییرات اصلی در ساختار قانون اساسی کشور که شامل تغییر در هنجارهای رژیم، تغییر در نوع نظام حزبی و تغییر در وضعیت نظامی - غیر نظامی کشور است.
۳. تغییر کابینه (۳): تغییر رئیس دولت یا نیمی از وزرا در یک سال.
۴. تغییر مقامات اجرایی (۳): هر گونه تغییر عمده در رأس هرم نخبگان حکومتی به ویژه مقامات اجرایی در یک سال.
۵. ترور (۵): هر گونه قتل یا سوء قصد به جان یک مقام عالی‌رتبه سیاسی یا یک سیاستمدار یا فعال سیاسی که با انگیزه سیاسی صورت گرفته باشد.
۶. جنگ چریکی (۱۵): هر گونه فعالیت نظامی یا عملیات مسلحانه، خرابکاری یا بمب‌گذاری که توسط گروه‌های مستقلی از مردم یا نیروهای نامنظم که به منظور سرنگونی رژیم حاضر صورت می‌پذیرد.
۷. بحران حکومتی (۷): هر وضعیتی که رژیم مستقر را تهدید به سقوط می‌کند و به سرعت در حال گسترش است. به استثنای شورش‌هایی که با قصد براندازی نظام صورت می‌گیرند.
۸. شورش (۲۰): هر گونه تظاهرات خشونت‌بار یا برخورد و درگیری‌های جمعی میان بیش از یک صد نفر که در بردارنده استفاده فیزیکی از زور باشد.
۹. حرکات انقلابی (۱۵): هر تلاشی که برای تغییر اجباری و غیرقانونی نخبگان

حکومتی صورت می‌گیرد و یا هر شورش مسلحانه که هدف آن استقلال از دولت مرکزی است.

۱۰. تظاهرات ضد حکومتی (۳): هرگونه تجمع عمومی مسالمت‌آمیز حداقل یکصد نفر، که هدف اولیه آن نمایش یا ابراز مخالفت با سیاست‌های حکومتی یا مقامات مسئول باشد.

۱۱. اعتصاب عمومی (۲): اعتصاب هزار نفری و بالاتر کارکنان بخش صنعت و خدمات که با بیش از یک کارفرما درگیر باشند و هدف آن اعتراض به صاحبان اقتدار سیاسی یا تصمیمات و خط‌مشی‌های حکومتی باشد.

۱۲. پاک‌سازی سیاسی (۲): هر نوع حذف مخالفان سیاسی به وسیله اعدام یا زندانی کردن آنها (Banks, 2011: 11-15).

پس از تولید متغیر فاصله‌ای بی‌ثباتی سیاسی، لازم است آن را به متغیر فازی ثبات سیاسی تبدیل کرد. در متغیر فاصله‌ای بی‌ثباتی سیاسی نمرات به دست آمده در میان ۱۸۳ کشور جهان از ۰ تا ۳۸ متغیر است و میانگین نمرات هم ۳/۸ است. برای آستانه عضویت کامل در مجموعه کشورهای بی‌ثبات عدد ۱۵ در نظر گرفته شده که بر این اساس به ترتیب کشورهای کلمبیا، افغانستان، عراق، سودان، فیلیپین، نیجریه و سومالی در این مقوله قرار گرفتند. نقطه گذر عدد ۱ تعیین شد و بر اساس آن کشورهای اردن و گامبیا به‌عنوان کشورهایی مشخص شدند که در مرز ثبات و بی‌ثباتی قرار دارند. برای آستانه عدم عضویت کامل هم عدد ۱۵ در نظر گرفته شد و مجموعه کشورهای با ثبات مشخص شدند که به ترتیب شامل قبرس، ساموآ، قطر، عمان، کره شمالی، سوئیس، پورتوریکو، هنگ‌کنگ، فنلاند، اریتره، باربادوس و لوکزامبورگ هستند. در این پژوهش متغیر ثبات سیاسی با علامت اختصاری (~ins) نشان داده می‌شود که به معنی معکوس بی‌ثباتی سیاسی است.

۲-۲. علت‌های ثبات یا بی‌ثباتی سیاسی (متغیرهای مستقل)

در این بخش تلاش می‌شود مهم‌ترین تبیین‌های علی که در جامعه‌شناسی و اقتصاد سیاسی برای ثبات یا بی‌ثباتی سیاسی معرفی شده است مورد بررسی قرار گرفته و از نتایج آن برای شناسایی و تعریف متغیرهای عملیاتی استفاده شود. پیش‌فرض اساسی بسیاری از تئوری‌های

مربوط به بی‌ثباتی سیاسی این است که برخی از شکل‌های نارضایتی که به واسطه فقدان تعادل‌های ساختاری و کارکردی در سیستم اجتماعی ایجاد می‌شوند، خود را به صورت خشونت و بی‌ثباتی سیاسی بروز می‌دهند.

۲-۲-۱. محرومیت نسبی

نظریه‌هایی که ریشه‌های ظهور خشونت و بی‌ثباتی سیاسی را در انواع مختلف نارضایتی می‌دانند به سنت دورکیمی در جامعه‌شناسی وابسته هستند و در کارهای جانسون، هانتینگتون، رابرت گار و گارودوال مشاهده می‌شوند. در این رویکردها تغییر اجتماعی سریع و شتابان، بی‌ثبات‌کننده تلقی شده و از طریق سازوکارهای روان‌شناسی اجتماعی معینی که «محرومیت نسبی» یا «سرخوردگی» نامیده می‌شوند، موجب جنبش‌های اعتراضی می‌گردد. در واقع رفتار سیاسی خشونت‌آمیز مردم نتیجه نارضایتی و نارضایتی محصول محرومیت نسبی آنان است. تد رابرت گار، نظریه محرومیت نسبی را با تکمیل نظریه انتظارات فزاینده و منحنی دیویس مطرح کرد. در این تئوری، محرومیت نسبی محک احساس نارضایتی مؤثر جامعه در تحولات اجتماعی محسوب می‌شود. به نظر گار، این نارضایتی عمدتاً حاصل شکاف غیرقابل تحملی است میان «آنچه فرد دارد» و آنچه تصور می‌کند «استحقاق داشتن آن را دارد و مایل است که داشته باشد» (سیف‌زاده و گلپایگانی، ۲۴۹). به نظر گار، معیارهای محرومیت نسبی شامل تبعیض اقتصادی، اتکا به سرمایه خصوصی خارجی، روند کوتاه‌مدت در ارزش تجاری، تورم، نرخ تولید ناخالص ملی و شرایط نامساعد اقتصادی است (ساندرز، ۱۳۸۰: ۷۵).

۲-۲-۲. وابستگی اقتصادی

سنت وابستگی بر اهمیت روابط بین کشورها در هر گونه بررسی جهت توصیف و تبیین وقایع سیاسی پافشاری می‌کند. کاکرافت منبع مهم بی‌ثباتی سیاسی را وابستگی تجارت و سرمایه می‌داند، چرا که جهان سوم از هنگامی که در نظام سرمایه‌داری جهانی ادغام شد پیوندهای منجر به وابستگی آن به وسیله مبادله‌های نابرابر، سلطه سیاسی و شرکت‌های فراملیتی دائمی گردید. این وابستگی به نوبه خود نابرابری در آمد، تضاد طبقاتی، بیکاری

زیاد و مازاد جمعیت در یک اقتصاد بازار شهری و در نهایت بی‌ثباتی سیاسی را در پی داشت (ساندرز، ۱۳۸۰: ۴۲).

جان فوران معتقد است: تنش‌ها و کشمکش‌های سیاسی، تحت تأثیر عوامل بیرون از نظام صورت می‌گیرند. بدین معنا، روابط گسترده کشورهای پیشرفته صنعتی با کشورهای در حال گذار و انتقالی، جامعه و اقتصاد این کشورها را به شکل مشخصی به اقتصاد جهانی و سیاست قدرت‌های بزرگ وابسته کرده و طبیعی است که برخوردهای متقابل فشارهای خارجی با ساختارهای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی درون جوامع موجب بروز کشمکش‌ها و تنش‌هایی به صورت اعتراض‌ها، شورش‌ها، کودتاها و انقلاب‌ها خواهد شد (ازغندی، ۱۳۸۵: ۲۱۴). بر اساس این نظریه، هرچند وابستگی و نفوذ عوامل خارجی و ساختارهای بین‌المللی در کشوری بیشتر باشد، سطوح بالاتری از بی‌ثباتی ممکن است رخ دهد.

۳-۲-۲. مشکلات اقتصادی

کارل مارکس فقر و تضاد طبقاتی بین فقرا و اغنیا را علت اصلی بی‌ثباتی می‌داند و معتقد است: در جریان صنعتی شدن، سود سرمایه‌داران به مراتب بیشتر از بهبود وضعیت کارگران است. اکشتاین نیز عدم تعادل بین تولید و توزیع در جریان رشد سریع اقتصادی و گسترش فقر را علت اصلی بی‌ثباتی می‌داند (رفیع پور، ۱۳۷۹: ۳۴-۳۳). هانا آرنست علت اصلی شورش‌ها در عصر مدرن را تردید افراد جامعه نسبت به این مسئله می‌داند که فقر، ذاتی زندگی انسان است (منوچهری، ۱۳۸۰: ۷۵). هایدن^۱ نیز اظهار می‌دارد که فلاکت حاصل اراده خداوند نیست، بلکه نتیجه اولویت‌های ساختاری قدرت مادی و ملموس است و بر پایه چنین درکی، انقلاب‌ها، قیام‌ها، خیزش‌ها و جنبش‌های اجتماعی می‌رویند (پیران، ۱۳۸۴: ۵). بیشترین حجم مطالعات تک‌علتی صورت گرفته در خصوص ثبات یا بی‌ثباتی سیاسی مربوط به ارتباط مشکلات اقتصادی با بی‌ثباتی سیاسی است. کاستی‌های اقتصادی که بیانگر ناکارآمدی حکومت برای تأمین نیازهای مردم است شکافی میان ملت و دولت ایجاد می‌کند که اگر با مشروعیت یا استیلا جبران نگردد، به احتمال بسیار زیاد منجر به بی‌ثباتی سیاسی خواهد شد.

در نتیجه تحقیقات بسیاری که برای تعیین همبستگی متغیرهای اقتصادی و ثبات

1. Hyden (1968)

سیاسی انجام شده است، برخی از متغیرهای اقتصادی تأثیرگذار بر ثبات سیاسی شناسایی شدند. از جمله آنها می‌توان به متغیرهایی مانند سرانه تولید ناخالص داخلی، نرخ رشد تولید ناخالص داخلی، نرخ اشتغال، سرانه برابری قدرت خرید و تورم بر اساس قیمت مصرف کننده (Xu, 2011: 12). آزادی تجارت بین‌المللی (Esty, Goldstone, Gurr, Surko, & Marshall, 1995: viii). درصد صادرات کالاهای تولیدی نسبت به کل صادرات (Unger, 1995: viii). توسعه اقتصادی نامتوازن، فقر یا رکود اقتصادی شدید (The Fund for Cole, 2011: 36). سرانه درآمد ناخالص و کیفیت مقررات تجاری (Rice & Patrick, 2008: 9)، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، نرخ مالیات و نحوه مالیات‌گیری، بازار سیاه، آزادی اقتصادی (Carment, 2010: 74-77)، نرخ مبادله ارز، نرخ جنگل‌زدایی، سرانه مصرف انرژی (Marshall, 2008: 3). آزادسازی اقتصادی (John, 2005: 107) و بدهی بانکی (Vaugirard, 2007: 821) اشاره کرد. بر اساس یکی از مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش‌ها، در کشورهای دموکراتیک، با کاهش رشد اقتصادی احتمال بی‌ثباتی سیاسی افزایش می‌یابد، اما در کشورهای نیمه‌دموکراتیک یا اقتدارگرا، این افزایش سرعت رشد اقتصادی است که منجر به بی‌ثباتی سیاسی می‌شود (Brandt & Ulfelder, 2010: 1).

همان‌گونه که ذکر شد، در این پژوهش طیف گسترده‌ای از متغیرهای مستقل که بر اساس مبانی نظری یا مطالعات تجربی بر ثبات سیاسی تأثیرگذار هستند، به همراه متغیرهای مشابه آنها مورد ارزیابی تجربی قرار می‌گیرد. داده‌های سری زمانی که برای اندازه‌گیری متغیرهای مستقل استفاده شده است، از پایگاه‌های اطلاعاتی مؤسساتی مانند بانک جهانی (World Bank, 2012) و مؤسسات وابسته (Kaufmann, Kraay & Mastruzzi, 2012)، بنیاد هریتیج (Heritage Foundation, 2012) و دانشگاه زوریخ (Dreher, 2012) جمع‌آوری شده است. در این بخش محقق هیچ متغیری را تولید نکرده و فقط از متغیرهای موجود که با روش‌های مختلف تولید شده‌اند استفاده می‌کند. در مجموع در این بخش تأثیر ۲۸ متغیر مختلف بر ثبات سیاسی سنجیده می‌شود. برای هر متغیر، مقدار متوسط آن در فاصله زمانی ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۰ مورد توجه قرار گرفته است.

1 . <http://info.worldbank.org/governance/wgi/pdf/wgidataset.xls>

جدول ۲. متغیرهای مؤثر بر ثبات سیاسی

کد	نام متغیر	کد	نام متغیر
equ	ضریب جینی	gce	مصارف دولت
edb	سهولت انجام کسب و کار	mex	مخارج نظامی
emp	بیکاری	deb	بدهی خارجی
qrq	کیفیت مقررات	ntu	رانت منابع طبیعی
gdc	تولید ناخالص داخلی	res	کل ذخایر طلا و دلار
gdp	رشد سالانه تولید ناخالص داخلی	nns	پس انداز خالص ملی
gpc	سرانه تولید ناخالص داخلی	lnd	سرانه زمین قابل کشت
trd	سهم تجارت از تولید ناخالص داخلی	cab	تراز حساب جاری
gni	سرانه درآمد ناخالص ملی	csd	نسبت مازاد درآمد به کسر بودجه
fdi	سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	rir	نرخ بهره واقعی
gcf	مجموع سرمایه‌گذاری داخلی	ecf	آزادی اقتصادی
hte	صدور تکنولوژی پیشرفته	gle	جهانی شدن اقتصادی
txr	درآمد مالیاتی	oda	دریافت کمک‌های رسمی و قانونی
tax	میزان مالیات از سود تجارت	nfl	تورم

پس از تولید داده‌های فاصله‌ای برای ۲۸ متغیر مذکور، تلاش شد با استفاده از روش مستقیم، متغیرهای فاصله‌ای به متغیر فازی تبدیل شده و درجه عضویت هر کشور در هر متغیر مشخص شود. برای تعیین نقاط گسست کیفی تلاش شد از تجربیات و رهنمودهای تولیدکنندگان داده‌ها استفاده شده و کمتر بر دانش محتوایی و نظری پژوهشگر تکیه شود. تولیدکنندگان داده‌ها برای بسیاری از متغیرها، به نحوی نقاط برش کیفی را مشخص کرده‌اند. برای نمونه می‌توان به مجموعه کشورهای با درآمد زیاد، متوسط و کم در داده‌های بانک جهانی اشاره کرد. آمار توصیفی و نقاط گسست کیفی ۲۸ متغیر مذکور در جدول ۳ ذکر شده است.

جدول ۳. آمار توصیفی متغیرها

متغیر	میانگین	انحراف معیار	کمینه	بیشینه	درجه عضویت
کد	String				
کشور	String				
ins	۳/۸۷۶۰۵	۵/۷۶۱۶۲۸	۰	۳۸/۱۸۵	(۱۵،۱۰۰/۱۵)
nms	۹/۵۹۴۶۰۳	۱۲/۰۵۸۴	-۱۶/۳۲۲	۸۹/۶۸۸	(۱۲،۵۰۰)
lnd	۰/۲۳۲۹۶۴	۰/۲۶۴۰۶۴	۵/۳۵E-۰۵	۲/۳۰۶۱	(۰/۵۰۰/۱۰۰/۰۱)
csd	-۱/۰۶۴۶۲	۳/۸۲۸۶۴۴	-۱۰/۲۷۲	۱۵/۵۸۶	(۰،-۲،-۵)
cab	-۲/۶۳۲۹۹	۱۰/۰۲۸۶۶	-۴۰/۵۵	۳۹/۱۰۸	(۵،۰،-۵)
edb	۹۲/۲۲۷۰۱	۵۳/۶۴۴۱۷	۱	۱۸۲/۵	(۱۶۰،۱۰۰،۴۰)
ecf	۵۸/۸۴۵۲۷	۱۱/۵۳۲۶۶	۴/۸۸۳۳	۸۹/۶۷۵	(۷۰،۵۰،۳۰)
gle	۶۰/۴۶۹۸۲	۱۶/۷۰۳۸۳	۲۶/۴۰۴	۹۶/۲۷۲	(۷۰،۵۰،۳۰)
fdi	۶/۷۴۵۶۹۱	۲۵/۸۶۸۳۷	-۵/۰۷۰۱	۳۴۵/۸۳	(۱۰،۵،۱)
gdc	۲۰/۸۲۱۵۶	۹۴/۳۶۴۴	۰/۰۲۰۷۳۳	۱۱۰۲/۶	(۲۰،۲۰،/۲)
gdp	۴/۳۰۵۵۵۷	۲/۹۴۶۷۴۳	-۴/۵۷۵۸	۱۸/۲۷۱	(۶،۳،۰)
gpc	۶/۹۴۳۹۷	۱۰/۲۸۳۹۴	۰/۰۹۲۲۶۲	۵۱/۶۳۱	(۲۰،۵،۱)
gce	۱۶/۰۲۰۸۲	۵/۹۶۸۴۵	۳/۲۵۰۵	۴۱/۵۸۲	(۲۰،۱۵،۱۰)
equ	۴۰/۶۲۹۳۹	۸/۹۹۹۶۴۸	۲۴/۷	۶۴/۳	(۵۰،۴۰،۳۰)
gni	۱۱/۳۳۵۱۳	۱۳/۰۱۱۹۲	۰/۲۶۵	۶۲/۸۸۴	(۳۰،۱۰،۵)
gcf	۲۲/۷۱۵۵	۶/۲۲۱۹۰۶	۴/۸۲۴۹	۴۹/۱۴۲	(۳۰،۲۰،۱۵)
hte	۹/۲۹۵۹۲۷	۱۱/۷۱۲۷۲	۰	۶۹/۹۴۱	(۲۰،۱۰،۱)
nfl	۲۸/۸۰۵۴۹	۲۸۹/۱۶۷۹	-۰/۲۶۲۶۷	۳۸۲۰/۱	(۱۰،۵،۲)
mex	۲/۳۳۸۷۷۲	۲/۲۷۰۱۴۲	۰/۰۶۴۱۷۶	۲۲/۴۷	(۵،۲،۱)
oda	۴/۸۷ E+۰۸	۷/۳۷ E+۰۸	-۱/۸ E+۰۸	۶/۲۲ E+۰۹	(۱۰/۲۰)
deb	۳۲/۷۸۳۰۹	۲۴/۱۷۴۷۸	۲/۱۵۹۶	۱۲۹/۰۸	(۶۰،۳۰،۱۰)
rir	۸/۴۰۰۱۶۶	۱۹/۹۲۶۱۳	-۵/۱۰۱۳	۲۴۳/۶۴	(۱۵،۵،۰)
qrq	-۰/۰۶۹۴۸	۰/۹۸۳۳۳۵	-۲/۴۲۷۳	۱/۸۸۶۸	(۱/۵،۱۰،۰)
txr	۱۶/۶۶۹۵۳	۷/۶۳۱۸۸۳	۰/۱۹۹۳۱	۴۸/۶۳۵	(۲۵،۱۵،۱۰)
ntu	۱۰/۸۳۰۵۳	۱۸/۹۷۷۵۵	۰	۱۳۲/۱۷	(۵۰،۵،۱)
res	۳/۲۵۱۶۹۳	۱۱/۸۷۷۷۶	۳/۵۵۴۱	۱۲۳۴۸۰	(۲۰۰۰۰،۱۰۰۰۰،۵)
tax	۴۹/۵۸۶۳	۴۰/۲۸۴۸۵	۸/۴	۳۰۳/۴۷	(۷۰،۵۰،۳۰)
trd	۹۰/۷۹۶۹	۴۹/۹۴۸۷۸	۰/۳۵۹۵۴	۴۰/۱/۳۳	(۱۵۰،۱۰۰،۵۰)
emp	۹/۸۰۷۰۳۵	۷/۸۶۸۴۷۹	۰/۶	۵۹/۵	(۱۵،۷،۳)

حال که درجه عضویت هر کشور در هر یک از ۲۹ متغیر مختلف (۲۸ علت و ۱ معلول) مشخص شد، لازم است با کمک تحلیل مقایسه‌ای کیفی فازی علت‌های اقتصادی ثبات سیاسی مشخص شود. برای این کار تأثیر هر یک از متغیرهای مستقل بر متغیر ثبات سیاسی سنجیده شده و فرضیات علت‌های لازم و کافی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. ابتدا سازگاری و شمول ۲۸ متغیر مورد نظر نسبت به ثبات سیاسی در نرم‌افزار 2.5 FsQCA مورد آزمون قرار گرفت. ۷ متغیری که بیشتری سازگاری و شمول را در میان ۲۸ متغیر مورد مطالعه دارند، در جدول زیر ذکر شده‌اند.

جدول ۴. تحلیل علت‌های لازم ثبات سیاسی

رتبه	نام متغیر	شمول	سازگاری	کد متغیر
۱	کیفیت مقررات	۰/۶۸۴۰۸۸	۰/۹۸۹۴۴۳	Qrq
۲	آزادی اقتصادی	۰/۴۸۶۷۵۶	۰/۹۸۸۱۲۷	ecf
۳	سرانه تولید ناخالص داخلی	۰/۷۲۱۵۵۱	۰/۹۵۸۶۱۵	gpc
۴	جهانی شدن اقتصادی	۰/۵۲۷۷۱۴	۰/۹۵۷۴۰۱	gle
۵	رشد سالانه تولید ناخالص داخلی	۰/۷۲۰۹۹۷	۰/۹۵۲۷۰۳	gdp
۶	سرانه درآمد ناخالص ملی	۰/۷۲۷۳۰۳	۰/۹۳۰۳۲۱	gni
۷	سهولت انجام کسب و کار	۰/۵۸۱۲۱۹	۰/۹۱۲۰۱	edb

منظور از کیفیت مقررات^۱ میزان توانایی دولت برای تدوین، قاعده‌مندسازی و اجرای سیاست‌ها و مقرراتی است که توسعه بخش خصوصی را مجاز شمرده و ترویج می‌دهند. آزادی اقتصادی^۲ میزان استقلال فعالیت اقتصادی در یک کشور از قدرت دولتی را نشان می‌دهد. سرانه تولید ناخالص داخلی^۳ از تقسیم تولید ناخالص داخلی بر تعداد جمعیت کشور حاصل می‌شود. جهانی شدن اقتصادی^۴ میزان ادغام اقتصاد یک کشور در اقتصاد جهانی را نشان می‌دهد. رشد سالانه تولید ناخالص داخلی^۵ درصد نرخ رشد سالانه تولید

-
1. Regulatory quality \Rightarrow (qrq)
 2. Economic freedom \Rightarrow (ecf)
 3. GDP per capita (constant 2000 US\$) \Rightarrow (gpc)
 4. Economic globalization \Rightarrow (gle)
 5. GDP growth (annual %) \Rightarrow (gdp)

ناخالص داخلی را بر اساس نرخ ارز ثابت محلی نشان می‌دهد. سرانه درآمد ناخالص ملی^۱ درآمدی است که نصیب اهالی یک کشور می‌شود، در حالی که تولید ناخالص داخلی حجم تولیداتی است که در یک اقتصاد خاص انجام شده و با گسترده شدن فعالیت شرکت‌های بین‌المللی و خارجی، ممکن است بخش فزاینده‌ای از آن در نهایت از قلمرو مرزهای یک کشور خارج شود. سهولت انجام کسب و کار^۲ نشان‌دهنده میزان سهولت برای آغاز یک کار یا فعالیت اقتصادی در یک کشور است. البته منظور از شرط لازم در اینجا این است که هر یک از متغیرهای مذکور، بخش لازم اما ناکافی از ترکیبی کافی اما نالازم برای ثبات سیاسی را تشکیل می‌دهند. به عبارت دیگر، هر یک از علت‌ها شرط لازم برای یکی از ترکیباتی هستند که منجر به ثبات سیاسی می‌شوند.

برای یافتن ترکیبات علی که شرط کافی برای ثبات سیاسی هستند، از ابزار کلیدی جدول صحت^۳ استفاده شد. برای این کار ۲۸ متغیر مستقل در جدول صحت قرار داده شد و از میلیون‌ها ترکیب علی که به صورت منطقی ممکن بودند، ۲۸۴ ترکیب علی شناسایی شد که برای ثبات سیاسی شرط کافی هستند. مطابق انتظار، متغیرهایی که دارای بیشترین نمره سازگاری بودند، در ترکیبات شروط کافی هم بیشترین سهم را داشتند. برخی از ترکیبات علی که شرط کافی برای ثبات سیاسی هستند، در جدول زیر ذکر شده‌اند.

جدول ۵. تحلیل شرط کافی ثبات سیاسی

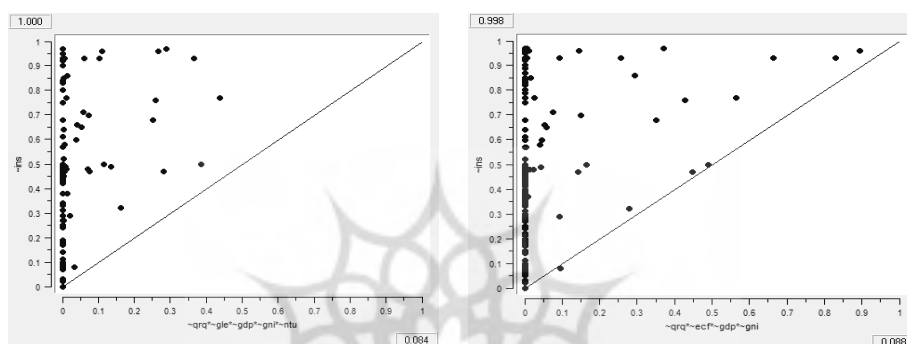
combined	coverage	consistency	terms
۰/۳۲۲۳۳۸	۰/۰۸۱۱۹۲	۰/۹۷۵۴۱	qrq*gle*gdp*gni*ntu
۰/۲۹۹۲۳۲	۰/۰۸۱۱۹۲	۰/۹۷۵۴۱	qrq*ecf*gdp*gni
۰/۲۹۹۲۳۲	۰/۰۸۱۱۹۲	۰/۹۷۵۴۱	qrq*gle*gdp*gni
۰/۲۹۹۲۳۲	۰/۰۸۱۱۹۲	۰/۹۷۵۴۱	qrq*gdp*gni*ntu
۰/۲۹۶۶۹۶	۰/۰۷۹۱۴۵	۰/۹۷۴۷۹	qrq*gdp*gni*nns
۰/۲۹۶۱۲۷	۰/۰۷۸۶۹	۰/۹۷۴۶۴۸	qrq*gpc*gdp*gni
۰/۳۰۶۳۲۷	۰/۰۸۷۱۰۵	۰/۹۷۴۵۵۵	qrq*ecf*gdp*ntu
۰/۲۹۵۵۵۵	۰/۰۷۸۲۳۵	۰/۹۷۴۵۰۴	qrq*gdp*gni*oda
۰/۳۳۴۷۹۳	۰/۱۱۳۷۱۴	۰/۹۷۰۸۷۴	gdp*gni*oda*fdi
۰/۳۶۰۶۴۴	۰/۱۱۳۷۱۴	۰/۹۷۰۸۷۴	ecf*gdp*gni*oda*fdi

1. GNI per capita, PPP (current international \$) ⇒ (gni)

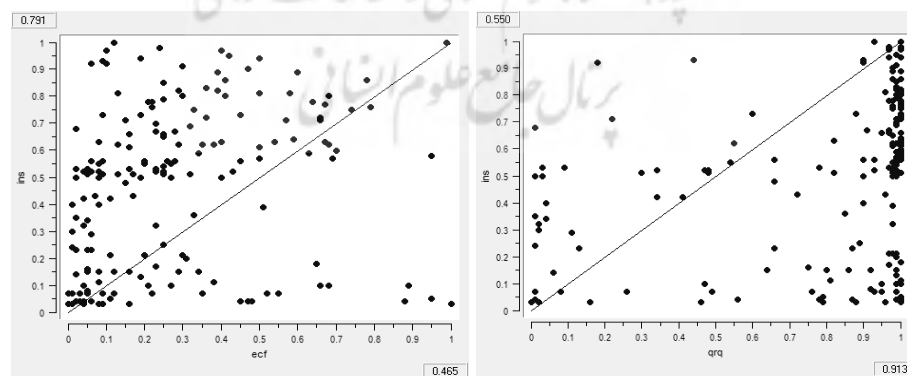
2. Ease of doing business index ⇒ (edb)

3. Truth table

همان گونه که ذکر شد، مجموع ترکیبات علی که شرط کافی برای ثبات سیاسی هستند ۲۸۴ ترکیب است که از مجموع ۳ تا ۹ متغیر تشکیل شده‌اند. بدیهی است بسیاری از این ترکیبات را می‌توان با یکدیگر ادغام و خلاصه کرد که در این پژوهش ضرورتی برای آن احساس نشد. برای نمونه، نمودار پراکنش دو ترکیب علی اول که منجر به ثبات یا بی‌ثباتی سیاسی می‌شوند به صورت زیر است.



برای آزمون نحوه اثرگذاری ۲۸ متغیر مستقل بر ثبات سیاسی، نمودار پراکنش موردها برای هر متغیر ترسیم شد و بر اساس نتایج به دست آمده هیچ یک از متغیرها به تنهایی شرط لازم یا کافی برای ثبات سیاسی نبودند. نمودار دو متغیر کیفیت مقررات تجاری و آزادی اقتصادی که به ترتیب نزدیکی بیشتری به علت لازم و علت کافی دارند به صورت زیر است.



۳. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

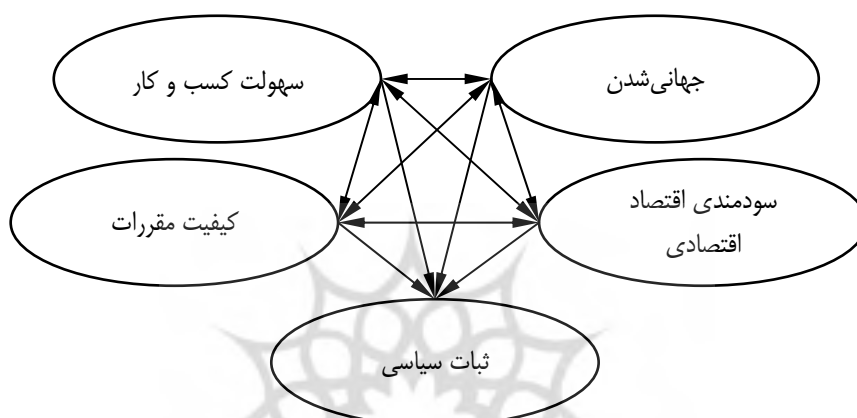
به نظر می‌رسد برخی از متغیرهای هفت‌گانه که شرط لازم برای ثبات سیاسی هستند، اشتراکات بسیاری با هم دارند. برای نمونه جهانی‌شدن اقتصادی مستلزم آزادی اقتصادی است. همچنین سه متغیر سرانه تولید ناخالص داخلی، رشد سالانه تولید ناخالص داخلی و سرانه در آمد ناخالص ملی، سطح و شدت رشد اقتصادی را نشان می‌دهند. برای ایجاد مدل ثبات سیاسی، لازم است عواملی در نظر گرفته شوند که دارای مرزهای مشخص‌تری هستند. بنابراین شایسته است متغیرهای مشابه و مشترک با یکدیگر ترکیب و به قول راگین متغیرهای کلان^۱ ایجاد شود (Ragin, 2008:142). بدین منظور متغیرهای جهانی‌شدن اقتصادی و آزادی اقتصادی با یکدیگر ترکیب شده و متغیر کلان «جهانی‌شدن» ایجاد می‌شود. همچنین سه متغیر سرانه تولید ناخالص داخلی، رشد سالانه تولید ناخالص داخلی و سرانه در آمد ناخالص ملی با یکدیگر ترکیب شده و متغیر «سودمندی اقتصاد»^۲ ایجاد می‌شود. سودمندی اقتصاد با نظریه هانتینگتون هماهنگی بیشتری دارد. به عقیده وی، رشد سریع اقتصادی به ایجاد گروه‌های اجتماعی می‌انجامد که خود را در پیشرفت به وجود آمده عقب‌مانده دیده و احساس محرومیت می‌کنند، اما همین که کشورها به آستانه خاصی از نوسازی رسیدند با خرید نارضایتی توسط منابع و هدایت آن به حوزه‌های نهادینه شده و غیرمخرب، بی‌ثباتی کاهش می‌یابد (عظیمی دولت‌آبادی، ۱۳۸۷: ۹۰). به عبارت دیگر، سطوح بالای رشد اقتصادی با سطح بالایی از ثبات سیاسی همراه است، ولی نرخ بالا یا سرعت شتابان رشد اقتصادی، بی‌ثباتی سیاسی را تشدید می‌کند، چراکه توسعه اقتصادی شتابان، خواسته‌ها و توقعاتی را به وجود می‌آورد که جامعه قادر به ارضای آن نیست.

پس از ادغام متغیرهای مشابه، در مجموع پنج متغیر به صورت زیر به دست می‌آید که می‌توان آنها را در مدل‌سازی اقتصاد سیاسی ثبات به کار برد.

۱. ثبات سیاسی: به معنی فقدان وقایع بی‌ثبات‌کننده است.
۲. کیفیت مقررات: نشانگر قاعده‌مند بودن مقررات مربوط به فعالیت بخش خصوصی در یک اقتصاد است.
۳. جهانی‌شدن: میزان ادغام یک کشور در اقتصاد دهکده جهانی را نشان می‌دهد.

1. Macrovariables
2. Economy productivity

۴. سودمندی اقتصاد: بیانگر رشد مطلوب اقتصادی با سرعت متوسط است.
 ۵. سهولت انجام کسب و کار: نشانگر سهولت آغاز یک فعالیت اقتصادی است.
 ارتباط ۴ متغیر که شرط لازم برای ترکیبات کافی ثبات سیاسی هستند در واقعیت اجتماعی به صورت شبکه‌ای است و مدل اقتصاد سیاسی ثبات از برهم کنش ۴ متغیر مذکور حاصل می‌شود که در نمودار زیر نشان داده شده است.



نمودار ۳. مدل اقتصاد سیاسی ثبات

مدل بالا نشان می‌دهد: هر کشوری در جهان که بیشتر در اقتصاد جهانی ادغام شده و مقررات مربوط به فعالیت بخش خصوصی در آن قاعده‌مند است، در صورتی که رشد اقتصادی با سرعت متوسط داشته و آغاز یک فعالیت اقتصادی در آن کشور آسان باشد، ثبات سیاسی را تجربه می‌کند. ضمن اینکه از طریق پایش این چهار متغیر می‌توان ثبات سیاسی کشورها را پیش‌بینی کرد.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

۱. ازغندی، علیرضا (۱۳۸۵). درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران، تهران: نشر قومس.
۲. پراتکانیس، آنتونی و الیوت آرنسون (۱۳۸۰). عصر تبلیغات: استفاده و سوءاستفاده روزمره از اقناع، ترجمه کاووس سیدامامی، تهران: انتشارات سروش.
۳. پیران، پرویز (۱۳۸۴). «فقر و جنبش‌های اجتماعی ایران»، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۱۸، پاییز: ۱-۲۳.
۴. رجب‌زاده، احمد و محمدرضا طالبان (۱۳۸۶). «تبیین جامعه‌شناختی بی‌ثباتی سیاسی (مطالعه‌ای بین‌کشوری)» مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس، شماره ۵۷-۵۶ (سال ۱۵): ۵۳-۹۹.
۵. رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۹). توسعه و تضاد (چاپ چهارم)، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۶. ساروخانی، باقر (۱۳۷۷). «مدل‌های علی»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲ (سال ۲)، تابستان: ۱-۱۷.
۷. ساندرز، دیوید (۱۳۸۰). الگوهای بی‌ثباتی سیاسی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۸. سیف‌زاده، حسین و حسین گلپایگانی (۱۳۸۸). محرومیت نسبی و چرخش رأی در انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶. فصلنامه سیاست، سال ۳ (شماره ۳۹): ۲۶۶-۲۴۷.
۹. عظیمی دولت‌آبادی، امیر (۱۳۸۷). منازعات نخبگان سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۰. گار، تد رابرت (۱۳۷۶). چرا انسان‌ها شورش می‌کنند، ترجمه علی مرشدی‌زاد، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۱. منوچهری، عباس (۱۳۸۰). نظریه‌های انقلاب، تهران: سمت.

ب) منابع لاتین

1. Banks, Arthur S. (2011). Cross-National Time-Series Data Archive, Jerusalem (Israel): Databanks Internation .
2. Blatter, Joachim K, and Till Blume (2008). In Search of Co-Variance, Causal Mechanisms or Congruence? Towards A Plural Understanding of Case Studies, Swiss Political Science Review, Vol. 14, Issue 2: 315-356 .
3. Brandt, Patrick T, and Jey Ulfelder (2010). Economic Growth and Political Instability, Dallas: Political Instability Task Force .
4. Carment, David (2010). Indicators of State Failure, Canada Ministry of National Defence, Toronto: Defence R&D Canada .
5. Dreher, Axel (2012). KOF Index of Globalization. Retrieved from Globalization Index: <http://www.globalization-index.org/>
6. Esty, Daniel C, Jack A Goldstone, Ted Robert Gurr, Pamela T Surko, and Alan N Unger

- (1995). Working Papers: State Failure Task Force Report. McLean: Science Applications International Corporation .
7. Heritage Foundation (2012). Index of Economic Freedom, Retrieved from Heritage Foundation: www.heritage.org
 8. John, Jonathan Di (2005). Economic Liberalization, Political Instability, and State Capacity in Venezuela. *International Political Science Review*, 26 (1): 107-124 .
 9. Kaufmann, Daniel, Aart Kraay, and Massimo Mastruzzi (2012). Governance & Anti-Corruption. Retrieved from Worldwide Governance Indicators: <http://info.worldbank.org/governance/wgi/pdf/wgidataset.xls>
 10. Marshall, Monty G. (2008). Fragility, Instability and the Failure of state, Newyork: carnegie corporation .
 11. Marshall, Monty G, and Benjamin R Cole (2011). Conflict, Governance, and State Fragility, Vienna: Center for Systemic Peace .
 12. Ragin, Charles C. (2008). Redesigning Social Inquiry: Fuzzy Sets and Beyond, Chicago, USA: The University of Chicago Press .
 13. Ragin, Charles C. (2009). Qualitative Comparative Analysis Using Fuzzy Sets (fsQCA), In B. Rihoux, & C. C. Ragin, *Configurational Comparative Methods: Qualitative Comparative Analysis and Related Techniques* (pp. 87-121). Los Angeles: SAGE Publications .
 14. Ragin, Charles C., Kriss Drass, and Davey Sean (2008). Fuzzy-Set/Qualitative Comparative Analysis 2.0. Department of Sociology, Tucson, Arizona: University of Arizona .
 15. Rice, Susan E, and Stewart Patrick (2008). Index of State Weakness in the Developing World, *Global Economy and Development*. Washington DC: The Brookings Institution .
 16. Rihoux, Benoit, and Charles C Ragin (2009). Why Compare? Why Configurational Comparative Methods? In B. Rihoux, & C. C. Ragin, *Configurational Comparative Methods: Qualitative Comparative Analysis and Related Techniques* (pp. xvii-xxv), Los Angeles: SAGE Publications .
 17. The Fund for Peace (2011). Conflict Assessment Indicators, Washington D. C.: The Fund for Peace Publication .
 18. Vaugirard, Victor (2007). "Bank bailouts and political instability", *European Journal of Political Economy*, 23:821-837 .
 19. Woodside, Arch G (2010). Case Study Research: Theory, Methods, Practice. Bingley: Emerald .
 20. World Bank (2012). World Development Indicators, Retrieved from The World Bank Data Catalog: <http://data.worldbank.org>
 21. Xu, TianQi (2011). The Determinants of Political Instability: A Regression Analysis, Departments of Political Science & Economics. Marietta, Ohio: Marietta College .



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی